



۲۰۱۳/۰۴/۲۶



عبدالحكيم سامع

قدرت اشغالی کدام است؟

با طرح عنوان: «آیا افغانستان اشغال است؟»، بتاريخ ۲۰۱۳/۰۴/۱۵ خواستم، تا بعضی مفاهیم و وقایع را، با همه مشکلات و محدودیت ها، و با وجود «حساس» بودن احتمالی موضوع نزد بعضی ها، بنویسم. طوریکه در یک نوشته قبلی هم، تذکر داده شده است، در فکر آن نبوده ام که ممکن، دوستان محترم رهبری «پورتال افغان جرمن آنلاين»، این مطلب را در «دریچه نظر سنجی»، بگذارند. البته با این اقدام ایشان مخالفت ننموده، برخلاف، در تزئید معلومات تلاش انسانی صورت گرفته است. نه تنها درین مورد، بلکه بصورت عموم، به نظر هر انسان احترام می گذارم و نظر خود را هم، تا سرحد نهائی توان انسانی، و درک موضوع ارائه خواهم داشت.

در موضوعات تحت بحث، زمانی نتایج سودمند و آموزنده بهتر بدست خواهد آمد، که بحث کنندگان و تحلیلگران، خود را مقید و منحصر به موضوع بدانند. در عین حال، محتوای یک اظهار نظر زمانی، دارای وضاحت و صراحت بوده می تواند، که اصطلاحات و «ترمینولوژی» های علمی، که انتقال دهنده قیمت موضوع بوده می تواند، درست استعمال گردد. از جانب دیگر، در «جهان امروز»، مباحثات با شیوه های «جدال علمی» یا «پولیمیک»، که در قرن گذشته، دارای رنگ ها و تضاد های «آیدیالوژیک» تیره تر بوده است، و در زیر سایه «جهان دو قطبی» ادامه داشته است، نا مطلوب و نا خوش آیند، پذیرفته شده است. بعضاً بحث موضوع را به جهاتی می کشانند، که شباهت با شیوه مناقشه بین دو همسایه می داشته باشد، که یکی پرسید، «درخت های سر کوه را کی شانده؟». دیگر آن که جواب نداشته است، بجواب می گوید: «چرا به زن خود بوت نمی خرید؟» و یا شوخی دیگری از دوران نو جوانی در مکتب، وقتی اولین درس های زبان خارجی «انگلیسی» را می شنیدیم، کسی را پرسیدند، که «گوساله» را به زبان «انگلیسی» چه می گویند، جانب مقابل که خود نمی دانسته، با ترس از اینکه مبدا «نافهم» معرفی نشود، می گوید: «در زبان انگلیسی برای گوساله نام ندارند، می گذارند که کلان شود، بعد به او نام «کاو» می دهند».

وقتی نوشته های بعضی از هموطنان را مرور نمودم، چنین «الهام» گرفتم، که ممکن ایشان جز تصور «ثابت و بلا تغییر» خود، دیگر تحمل نظرات دیگران را نداشته باشند. این هم مصیبت آور شده می تواند. از جانب دیگر علاوه از اینکه ممکن، در مورد تعریف اصطلاح «قدرت اشغالی»، که مفهوم «سیاسی - نظامی» داشته، در شکل و هدف آن، حضور نظامی با اهداف آن، باید مطابق «نورم های» معمول حقوق بین الدول، با تفکیک در نظر گرفته شود. وقتی اگر، مفهوم «اشغال» به ارتباط «سلب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی» و بدست گرفتن قسمت های عمده «قوای اجرایی» یک دولت را معنی می دهد، که چنین یک «وضعیت»، باید از جانب «قدرت اشغالی» اعلان گردد، در مورد افغانستان، تا اکنون، چنین «سند» موجود نیست.

برای اینکه به خوانندگان محترم واضح گفته شود که این جانب تحت مفهوم «قدرت اشغالی» چه فهمیده ام، مطابقت این مفهوم را با تعریف ذیل، حضور خوانندگان محترم پیشکش می نمایم: «قدرت اشغالی به دولتی گفته می شود، که یک دولت دیگر و یا یک قسمتی از آنرا تحت اشغال خود حفظ می نماید. قدرت اشغالی قاعدتاً اداره نظامی را در دست می گیرد، در اغلب اوقات حق و صلاحیت قانونی اشغال را در قسمت های وسیع بخش اجرایی در ساحات تحت اشغال، بدست گرفته، بدین ترتیب حاکمیت کشور مورد نظر را شدیداً محدود می سازد. حاکمیت ای که از جانب یک «قدرت اشغالگر»، عملی می گردد، بنام رژیم اشغالگر یاد می گردد.» (ویکیپدیا)

در نوشته‌های دیگر، حالاتی از گذشته درجهان، بخصوص دوران استعمار و یا در ختم جنگ‌های اول و دوم جهانی در اروپا تذکر رفته است. در مقاطع مختلف، چنین «اشغال‌های» مؤقت عملی گردیده است، که ممکن به «ظاهر» طرز العمل‌های مشابه در افغانستان، هم تعبیر شده باشد. حالات متذکره از همدیگر، کاملاً متفاوت بوده، بعداً در مورد اظهار نظر صورت خواهد گرفت.

در همین منبع «ویکیپدیا»، مفهوم «قدرت‌های اشغالی» را در گذشته «آلمان» و «اطریش»، بدون «اضافه» اغلباً، قدرت‌های اشغالی «متحدین» را در نظر می‌گرفته اند، که بعد از جنگ «دوم جهانی»، «رایش آلمان را» اشغال نمودند. نباید از نظر دور داشت، که «جنگ دوم جهانی» از «جانب یک دولت»، یعنی «نازی‌های آلمان»، براه افتاد و کشور‌های دیگر را درگیر ساخت. این مجموعه قدرت‌ها، که بحیث «قدرت‌های برنده» یا «پیروز»، یاد شده اند، به «حاکمیت» «نازی‌ها» خاتمه داده، «مدتی» با حفظ اداره «اشغالی»، نخست دو دولت، با سیاست‌های مختلف تأسیس گردید، که در نتیجه، حیات دولتی آنها در چوکات پیمان‌های نظامی سپری گردید، حاکمیت دولتی و تمامیت ارضی، بتدریج، بر طبق قوانین «بین‌الدول» احیاء و جای سیستم «نازی»، بعنوان مثال در غرب، «سیستم سیاسی جدید» بر اساس اصول «دیموکراسی»، یا نظام اتحادی «پارلمانی»، پایگذاری گردید. حال دولت واحد آلمان دوباره تشکیل گردید. در آغاز مجموع «اشغالگران»، «قدرت‌های چهار گانه» یاد می‌گردید، که عبارت بوده اند از: «برتانیه کبیر»، «فرانسه»، «ایالات متحده امریکا» و «اتحاد شوروی». نویسنده منبع مؤخذ همچنان تذکر می‌دهد، که در متباقی کشور‌های اروپائی بعد از سال ۱۹۳۹م، مفهوم «قدرت‌های اشغالی» بدون کلمات و معانی اضافی، به «قدرت اشغالگر» «رایش آلمان» در جریان «جنگ دوم جهانی» مورد استعمال داشته است. منجمله اکثرأ، بعنوان قدرت یک رژیم ملکی نیز یاد می‌شود. علاوه از آلمان و اروپا، چنین مفهوم در نقاط دیگر متشنج دنیا، نیز موارد استعمال داشته است. در منبع میخوانیم، بر اساس «میثاق ژینیو» قدرت‌های اشغالی، نظیر «اسرائیل»، مکلفیت‌های خاصی در برابر مردم در مناطق اشغالی، بدوش دارد.

یکی از نویسندگان محترم در حالیکه از سهم «۴۸» کشور بنظر ایشان در «اشغال» نام می‌برد، موضوعاتی را که می‌تواند، تحت عنوان دیگری مطرح سازد، اما اصلاً به محتوای اصلی، توجه ننموده اند. هدف از طرح این سؤال این نبوده است، که جانبداری و یا مخالفت، با یکی و یا همه این کشور‌ها، تحت این عنوان صورت گیرد. کسانی که «جنگ علیه تروریزم» را که متأسفانه، از افغانستان آغاز یافته است، با «اشغال افغانستان»، با شیوه «استعماری» می‌بینند، پس بگویند که این «قوای اشغالی» کدام‌ها اند؟ و همچنان کدام «صلاحیت‌ها» و «مکلفیت» از جانب، مجامع بین‌المللی بطور رسمی برای آنها، مانند دیگر نقاط جهان داده شده است؟ اگر قلمرو افغانستان در اشغال قانونی آنهاست، پس اشغالگران برای جهانیان در باره حفظ «ملکیت» آنها، چه «مقررات» وضع نموده اند؟ اگر برای «تسخیر و اشغال» آمده بودند، پس چرا ۲۰۱۴م خارج می‌شوند؟ تحت چه شرایط آمدند و چرا آمدند و حال، تحت چه شرایط و با چه دست آورد می‌روند؟ کسانی که مدعی اند که افغانستان «اشغال است» و یا «استقلال ندارد»، باید بدانند که آگاهانه و یا نا آگاهانه، «آب به آسیاب» دشمن می‌ریزند، و یا مصروف فعالیت‌های مخفی و علنی کودتائی خزنده اند، که ممکن چشم امید، به «قیام‌های» مشابه، تونس، لیبیا و یا مصر و غیره، با استفاده از «انترنت» دوخته باشند. مطمئن باشند که پس از خروج قوای خارجی در سال ۲۰۱۴م، مردم افغانستان، به «جبهه جنگ»، مانند سال ۱۹۱۹م نیازمند نخواهند بود، بلکه وظیفه به قبر سپردن «جنگ داخلی» بر دوش آنها، تا مدتی هم سنگینی خواهد داشت.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ